

بسم الله الرحمن الرحيم

## آمار جنائی

محمدعلی اردبیلی

۱

### مقدمه

امروزه اهمیت و کاربرد آمار در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی بخوبی شناخته شده است. هیچ زمان اعداد و ارقام در زندگی بشر به گستردگی قرن ما کاربرد و استفاده نداشته است. درک وقایع اجتماعی به دور از هر گونه پیشداوری و برپایه مشاهدات عینی بدون کمک آمار اگر ناممکن نباشد خالی از دشواری نیست. بنابراین علم آمار کلیدی است برای مطالعه دقیقتر ابعاد این وقایع و راهی است کوتاهتر برای حصول نتایج نسبتاً صحیح.

وقایع یا پدیده‌های اجتماعی معلول عوامل گوناگونی هستند که شناخت همه آنها با توجه به دانش کنونی بشر ممکن نیست. عواملی هم که در عرصه تفحصات علمی شناخته شده‌اند به یک میزان در تکوین پدیده‌ها تأثیر نمی‌گذارند. عبارت دیگر سهم آنها همواره با احتمال و تقریب همراه است. با این حال اگر بپذیریم که در منظومه عوامل مختلف قوانینی حاکم است که می‌تواند چگونگی ارتباط و همبستگی میان آنها را توضیح دهد نخستین گام را در تبیین وقایع اجتماعی برداشته‌ایم. برای کشف این

قوانین لازم است در باره این وقایع اطلاع کافی بدست آوریم و نسبت به آن قضاوتی صحیح بنماییم. قضاوت صحیح و دارای اعتبار علمی عموماً قضاوتی است مبتنی بر مشاهده و تجربه. بعبارت دیگر بکار بردن روشهایی که ما را از ذهنی گرایي و یکسونگري مصون میدارد. در چنین مواردی است که علم آمار به کمک ما می‌شتابد. این نکته نیز ناگفته نماند که نتایج حاصل به کمک علم آمار را نه بیشتر و نه کمتر از آنچه هست باید اعتبار و بها داد. زیرا این اعتقاد در بسیاری وجود دارد که به کمک آمار می‌توان برای هر پرسشی پاسخ مناسب یافت و هر موضوعی را به اثبات رساند. اشتباه دیگری که رواج دارد این تصور است که داده‌های آمار رسمی از هرگونه عیب و ایرادی تهی است و هیچگونه تردیدی در صحت آنها جایز نیست. باید دانست ابتدا چگونه اطلاعات را بطور سنجیده محکم زد، سپس پرسشهایی را در حدود این اطلاعات مطرح کرد آنگاه به تفسیر پاسخها پرداخت. در غیر این صورت نتایج ناسودمندی بدست خواهد آمد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### مفاهیم

در تعریف علم آمار به طور خلاصه گفته‌اند علمی است که مشخصات جامعه‌ها را بصورت کمی ولی با در نظر گرفتن اوضاع کیفی آن مورد مطالعه قرار میدهد. با این تعریف آمار جنبایی عبارت است از میزان چندی یا شمارشی جامعه بزهکاران ( بزهکاران مهاجر، بزهکاران خردسال، زنان بزهکار و ... ) و یا جامعه اعمال مجرمانه ( قتل، سرقت، کلاهبرداری و ... ) به اعتبار یکی از خصوصیات کیفی موضوع. از این

تعریف چنین استنباط میشود که در روشهای آماری همواره با مجموعه‌ای از افراد سروکار داریم که طبق تعریف جامعه نامیده میشود. برای آنکه این مجموعه افراد جامعه‌ای را تشکیل دهند حداقل باید یک صفت مشترک داشته باشند. صفت مشترک و یا مشخص کننده جامعه موضوع آمار جنایی وصف مجرمانه‌ای است که قوانین جزایی برای آن شناخته است. یعنی هرگونه تخلف از قوانین موضوعه که با ضمانت اجرای کیفری همراه است. در اینجا جنایت به معنای عام کلمه بکار رفته است.

معمولاً مطالب آمار جنایی را به دو طریق فراهم می‌آورند، نخست، به روش گردآوری یا مطالعه کل جامعه که غالباً از نظر زمان و مکان موضوع آن را محدود می‌کنند. دوم، روش نمونه‌گیری که پس از گردآوری اطلاعات لازم در باره جامعه‌ای کوچکتر نتایج آن را به کل جامعه مورد نظر تعمیم میدهند.

از دیدگاه علمی، تبعات آماری را میتوان به دو بخش تقسیم کرد: بخشی از این تلاشها به گردآوری، طبقه‌بندی و تنظیم داده‌های اساسی اختصاص دارد که اصطلاحاً توصیف آماری می‌نامند و بخش دیگر مشتمل بر پی‌ریزی علمی آماری است که به کمک روشهای تحلیل ریاضی انجام مییابد و به تفسیر آماری مشهور است.

در اصطلاح جرم‌شناسان حجم کلی رفتارهای خلاف مقررات موضوعه را در یک محدوده زمانی و مکانی بزهکاری مینامند و تغییرات آن را به شرایط اجتماعی منتسب می‌دانند.

## ۳

## روشهای پژوهش

دو روش بیش از سایر روشها در پژوهشهای جرم‌شناسی که شالوده

آن را آمار تشکیل میدهد رایج است؛ نخست، روش تحقیق همبستگی عوامل. دوم، روش تحقیق تجربی.

در روش تحقیق همبستگی عوامل معمولاً پژوهشگر دو یا چند دسته از اطلاعات آماری را با یکدیگر می‌سنجد. در اکثر مشاهدات روزانه دیده میشود گاه برخی عوامل تابع عوامل دیگر است و تغییرات یکی تغییرات دیگری را به همراه دارد. گاه نیز مشاهده میشود که تغییرات دو عامل که مستقیماً با یکدیگر همبسته هستند در نتیجه عامل یا عوامل دیگری ایجاد میشود. توضیح این روش در جرم شناسی این است که اگر برای مثال جرم سرقت در فواصل زمانی معین با افزایش تعداد بیکاران در همین مدت فزونی یافت و برعکس با کاسته شدن از تعداد بیکاران به تناسب زمانی رو به کاهش نهاد گوئیم بیان این دو پدیده یک نوع همبستگی دیده میشود. همبستگی دو یا چند عامل به این معنی نیست که بین آنها ضرورتاً رابطه علیت وجود دارد. زیرا ممکن است یک عامل به تنهایی در موجودیت و کمیت پدیده معینی مؤثر نباشد بلکه عوامل مختلفی در چگونگی این پدیده نقش داشته باشند.

بنابراین در مثال بالا سرقت و بیکاری دو پدیده تابع یکدیگر هستند و می‌توان به کمک روشهای آماری میزان و مقدار این همبستگی را محاسبه کرد. اما در این باره که علت سرقت چیست نمی‌توان اظهار نظر صریحی کرد و به بررسی عمیقتری نیاز است.

در روش تحقیق تجربی که غالباً افراد بزهکار موضوع مطالعه قرار میگیرند هدف پژوهشگر یافتن روابط علت و معلولی و تعمیم یافته‌ها و نتایج حاصل از مطالعه به گروهی بزرگتر و خارج از شرایط آزمون تجربی است. برای این کار یک یا چند گروه از بزهکاران را به عنوان گروه یا گروههای تجربی انتخاب می‌کنند و نتایج تحقیق را با نتایجی که از یک یا

چند گروه بنام گروه یا گروههای گواه یا شاهد بدست میآید مقایسه می کنند . در انتخاب گروه گواه سعی میشود این گروه چه از نظر تعداد و چه از نظر سایر خصوصیات مانند سن ، میزان سواد ، میزان هوش و خاستگاه اجتماعی ، برابر گزینش شوند .

بدین ترتیب با ثابت نگه داشتن پاره‌ای عوامل ، به مشاهده تفاوت‌های میان دو گروه می پردازند .

## ۴

## قوانین علمی

سنجش پدیده‌های انسانی و اجتماعی در ترازوی آمار نشانه دقتی است که پژوهشگران و برنامه ریزان برای بهتر شناختن روند تحولات این قبیل پدیده‌ها قائل اند . این دقت و احتیاط در زمینه علوم طبیعی امری بدیهی است و اصولاً علمی بودن<sup>۱</sup> این رشته از علوم با توزین آنها به کمک اعداد و ارقام مترداف است . از قرن هفدهم به بعد گسترش شگرف علوم طبیعی شکافی در تفکر علمی ، میان علوم طبیعی و علوم انسانی پدید آورد . قبول اصل ثنویت نفس و بدن یا روح و ماده که دکارت در فلسفه به توجیه آن پرداخت این اندیشه را در ذهن متفکران تقویت کرد که میان این دو گروه علم تقابلی از نظر خصوصیات وجود دارد. اما بسیاری از آنان ثنویت تفکر علمی را منکر شدند و علوم طبیعی را الگوی سایر رشته‌های علوم انسانی قرار دادند . طبیعت مدارانی<sup>۲</sup> مانند هلوسیوس ، هلباخ و دیگران گمان داشتند که هرگاه روشها و هنجارهای علوم طبیعی در علوم انسانی (اخلاقی)

1 - Scientificité

2 - Naturalistes

پذیرفته شود می‌توان به تبیین پدیده‌های انسانی پرداخت. آنان عقیده داشتند که قوانین روح از قوانین کلی طبیعت پیروی می‌کند. در مقابل این جریان فکری، اندیشمندان دیگری به عقیده دکارت سببی بر تمایز نفس و بدن وفادار ماندند و نشان دادند که روح و ماده و اندیشه و طبیعت قابل تأویل به یکدیگر نیستند و هر کدام غایت خاصی دارند. این نظر معرفت‌شناختی در طی قرن هیجدهم مغلوب نظر دیگر شد و پیامد آن آراء و عقایدی بود که گاه در تضاد با یکدیگر به کمک روشها و الگوهای علوم طبیعی اشاعه یافت.

در جرم‌شناسی، تصمیم الگوهای علوم طبیعی به ارائه «قانون ثبات نسبی بزهکاری»<sup>۳</sup> انجامید. شماری از جرم‌شناسان با تکیه به داده‌های آماری نظم‌ن شدند که پدیده بزهکارانه از آنچنان توازنی در حرکت برخوردار است که هیچ نیروئی یارای جلوگیری از افت و خیزها و درنگ و شتابهای آن را ندارد. آدلف کتله<sup>۴</sup> ریاضیدان، اخترشناس بلژیکی و پایه‌گذار آمار جنایی که نخستین بار در سال ۱۸۳۵ کتابی تحت عنوان «فیزیک اجتماعی یا جستاری در باره رشد استعدادهای انسان»<sup>۵</sup> در پاریس منتشر کرد، معتقد بود که اغلب قوانین مکانیک در جهان مادی همانندهایی در جهان معنوی دارد. در زمینه بزهکاری کتله باتکیه بر آمارسالانه برای تأیید وجود ثبات در فرایند این پدیده و پیش‌بینی تحولات آن مینویسد: «می‌توان از پیش تعداد افرادی که دستهای خود را به خون همگنان خویش آلوده خواهند کرد، تعداد جاعلان و سم‌دهندگان را احصاء کرد، تقریباً همانگونه که می‌توان از پیش تعداد افرادی که پایه

3 - Loi de constance relative de la criminalité

4 - Adolphe Quételet

5 - Physique sociale ou essais sur le développement des facultés de l'homme

عرصه گیتی خواهند نهاد و تعداد افرادی که از این جهان رخت برخواهند بست شمارش کرد». از نظر کتله رویدادهای اجتماعی که ظاهراً به اراده افراد وابسته است با نظم کامل تکرار میشود، حتی میتوان گفت گاهی این نظم خیلی بیشتر از آن است که در عالم طبیعت به چشم میخورد. به زعم او میزان «بودجه جنایت»<sup>۶</sup> که بارگرانی بر دوش هر ملتی است سالی به سال دیگر چندان تغییری نمی کند.

دومین دانشمندی که برای تبیین پدیده‌های انسانی رنگ طبیعی بدان داد انریکوفری<sup>۷</sup> حقوقدان و جامعه‌شناس ایتالیایی و مؤلف اثر معروف «جامعه‌شناسی جنایی»<sup>۸</sup> است. فری با الهام از تلاش کتله این بار واقعیت جنایی را در بوته آزمایش علوم شیمی سنجید. فری معتقد بود: «همانطور که در یک حجم معین، با گرمای معین مقدار معینی از یک ماده شیمیایی حل میشود، بدون آنکه اتمی کمتر یا بیشتر کاسته یا افزوده شود، در یک محیط اجتماعی معین با شرایط فردی و طبیعی معین نیز تعداد معینی جرم ارتکاب مییابد نه کمتر و نه بیشتر». بدین ترتیب مشاهدات او در قالب اللاعات آماری به ارائه قانون «اشباع جنایی»<sup>۹</sup> منجر شد. این قانون بر سرنوشت جوامعی حاکم است که دوران آرامش و ثبات را می‌گذرانند، اما در جوامعی که دستخوش نوسانهای مانند جنگ، قحطی انقلاب و شورش هستند در این نظم تغییراتی حاصل خواهد شد و میزان جرایم افزایش خواهد یافت. به بیان دیگر جامعه به مرحله «فوق

6 - Budget du crime

7 - Enrico Ferri

8 - Sociologie criminelle

9 - Loi de la saturation criminelle

اشباع « ۱۰ راه خواهد یافت و افزایش پذیری جرائم یا حجم کلی آن بیشتر خواهد شد . درست همان گونه که محلول شیمیایی اشباع شده با افزایش درجه حرارت ، کمیت بیشتری از ماده شیمیایی را در خود حل خواهد کرد . امیل دورکیم <sup>۱۱</sup> در کتابی که به سال ۱۸۹۴ بنام « قواعد روش جامعه‌شناسی » <sup>۱۲</sup> به رشته تحریر درآورد به قانون اشباع جنایی فری شکل معتدل و ملایمتری بخشید . او می‌نویسد : « آنچه که بهنجار است وجود بزهکاری است به شرط آنکه این بزهکاری برای هر سنخ اجتماعی به یک میزان برسد و از این میزان تجاوز نکند . تعیین این میزان شاید طبق پاره‌ای قواعد غیر ممکن نباشد . » بدین ترتیب دورکیم معتقد بود نه تنها تصور وجود جامعه‌ای عاری از جرم محال است بلکه تا زمانی که مشخصات این جامعه تغییر نکند نرخ بزهکاری <sup>۱۳</sup> همواره عددی است ثابت ، عبارت دیگر ارتکاب جرائم در جامعه به یک تناسب ثابتی با محیط ، شرایط طبیعی ، اخلاقی بستگی دارد و تمام این اوضاع و احوال در چگونگی و میزان جرائم تأثیر میگذارد .

قانون ثبات نسبی بزهکاری در همان زمان مباحثاتی را میان پیروان مکاتب مختلف حقوق کیفری برانگیخت زیرا کتله معتقد بود که تناوب دائمی روند بزهکاری ناشی از یک سلسله اموری است که اراده افراد در تغییر آن هیچ‌گونه تأثیری ندارد . دورکیم نیز همین قانون را در باره پدیده « خودکشی » صادق می‌دانست و معتقد بود هر اجتماعی در هر لحظه از

10 - Sursaturation

11 - Emile Durkheim

12 - Les règles de la méthode sociologique

۱۳ . نرخ بزهکاری عبارت است از نسبت تعداد محکومان و کسر مفروض از جمعیت ( . . . نفر ) در یکسال بعین .



تاریخ خود برای خودکشی ظرفیت معینی دارد و این ثبات ناشی از « یک علت یا علل واحدی است که بر افراد تفوق دارد . »

به رغم دورکیم ثبات این پدیده و یا هر پدیده دیگر اجتماعی از آنجا سرچشمه میگیرد که به طور کلی وقایع اجتماعی بر اراده‌های فردی تحمیل میشود و وجودی مخصوص و مستقل از تظاهرات فردی دارد .

بدین ترتیب اشاعه عقاید مکاتب تحقیقی موجب شد تا عقاید مکتب کلاسیک حقوق کیفری که بر پایه آزادی اراده افراد استوار است مردود و بی اعتبار قلمداد شود . البته با وجودی که فری به جبر علمی اعتقاد داشت ، تبعیت پدیده‌های اجتماعی را از یک قانون خاص حتمی نمی دانست و معتقد بود که پدیده بزهکاری آن گونه نیست که نتوان در برابر نیروی مافوق ارادی آن پایداری کرد . اگر نظام اجتماعی دگرگونی یابد وقایعی که به ظاهر ثابت پدیدار میشوند بی درنگ تغییر خواهند کرد

نتیجه دیگری که فری از این قانون بدست آورد عقیده بر ناسودمند بودن

کیفرهاست . فری بر این اندیشه بود که میزان جرائم مستقل از تدابیر کیفری در نوسان است و کاهش و افزایش این میزان به شدت و ضعف کیفرها بستگی ندارد و بنابراین نمی توان از نظام کیفری در مقابله با بزهکاری انتظار معجزه داشت . بهرحال ، در باره صحت قانون ثبات نسبی بزهکاری و اثبات و ابطال آن نظریات گوناگونی از سوی جرم شناسان ابراز شده است که بررسی همه آنها در این مجال مقدور نیست . اما پیش از هر گونه اظهار نظر لازم است در خصوص اعتبار داده‌های آماری که منشاء پاره‌ای اختلافات است تحقیق شود . زیرا آمارهایی که از منابع مختلف اطلاعاتی بدست میآید واجد ارزش یکسانی از نظر انعکاس واقعیت بزهکاری نیست ، لذا تردید بسیاری در این باره وجود دارد .

## ۵

## منابع اطلاعات آمار جنایی

آمار جنایی اساساً بر پایه سه رشته اطلاعات استوار است که هر یک دارای معایبی است :

الف . آمار ظاهری - آماری که به وسیله کلانتریها ، ژاندارمریها و سایر ظابطان دادگستری بر اساس شکایتها و اعلام جرمها تهیه میشود و هنوز در مرحله اثبات وقوع جرم نیست آمار بزهکاری ظاهری نامیده میشود و مشتمل بر دو قسمت است : آمار مواردی که به تشخیص هویت و دستگیری متهم منجر شده است و آمار مواردی که هنوز در شناسایی متهم و یا قطعیت وقوع جرم موفقیت بدست نیامده است .

ب . آمار قضایی - نمایانگر تعداد افرادی است که در مراجع قضایی محکومیت قطعی پیدا کرده‌اند و یا جرائمی است که به صدور حکم محکومیت قطعی منجر شده است .

ج . آمار زندانها - نشان دهنده تعداد متهمان و یا محکومانی است که طبق رأی مراجع قضایی در یکی از مؤسسات نگهداری ( زندان ، دارالتأدیب ، مؤسسات اقدامات تأمینی و تربیتی . . . ) بسر می‌برند .

در باره ارزش هر یک از این سه رشته اطلاعات آماری توضیح چند نکته ضروری است ، نخست آنکه آمار زندانها به طور کلی از واقعیت بزهکاری بسیار به دور است . زیرا تنها نمودار تعداد بزهکارانی است که به نگهداری آنها در این مراکز حکم شده است و سایر محکومان ( محکومان به جریمه نقدی ، محکومان مشمول تعلیق مجازات و . . . ) را در برنمیگیرد . آمار قضایی نیز نشانگر تعداد کسانی است که محکومیت قطعی پیدا کرده‌اند ، اما به هیچ وجه نمودار واقعی جرائم ارتكابی از سوی آنها

نیست و بالاخره آمار ظاهری به دلایل چندی از جمله نامکشوف ماندن جرایم و گذشت زیاندیدگان واقعیت بزهکاری را آن گونه که رخ داده است بیان نمی کند و لذا دسترسی به ارقام واقعی بزهکاری امری است بسیار دشوار .

مجموعه جرائمی که بدین ترتیب مکتوم مانده و در آمار رسمی منعکس نشده است رقمی را تشکیل میدهد که در اصطلاح ( رقم سیاه ) یا رقم مخفی نامیده میشود . میزان این رقم به هیچ وجه ثابت نیست و برحسب نوع جرم ، گروه بزهکاران ( بزهکاران حرفه ای ، کودکان و نوجوانان بزهکار و . . . ) ، اوضاع و احوال اجتماعی ( جنگ ، انقلاب و . . . ) ، گروههای اجتماعی ( بازرگانان کارمندان و . . . ) همواره در نوسان است . در کنار این عوامل باید به نقش دستگاه قضایی ، نیروهای پلیس ، کارآگاهان و تجهیزات کشف جرم و تعقیب مجرمان اشاره کرد . بدیهی است هر اندازه این امکانات تقویت شود میزان رقم سیاه کاهش خواهد یافت . از سوی دیگر ، اعتقاد مردم به کارآیی دستگاه پلیس و اطمینان به قاطعیت دستگاه قضایی و سرعت در تصمیم گیری به میزان چشمگیری به درجه اعتماد ارقام بزهکاری واقعی خواهد افزود . برای نمونه تحقیق در باره ده هزار خانواده آمریکایی که بطور تصادفی انتخاب شده بودند نشان داد که میزان هتک ناموس به عنف و سرقتها با هتک حرز سه برابر بیشتر از تعدادی است که به آگاهی پلیس رسیده است . نتیجه دیگری که از این تحقیق بدست آمد همین این امر بود که ۷۴ درصد مؤسسات بازرگانی سرقت کارمندان خود را مخفی می دارند . دلیل این امر حسب اظهارات مصاحبه شوندگان ناباوری این افراد به توانایی پلیس در انجام وظیفه

ذکر شده است.<sup>۱۴</sup>

لذا، بنظر میرسد عامل روانی اخیر و عوامل بسیار دیگری که به پاره‌ای از آنها اشاره شد در تغییر میزان بزهکاری واقعی بی تأثیر نباشد و اصولاً از آنجا که چهره واقعی این پدیده اجتماعی در آئینه مختصات منابع اطلاعات آماری به وضوح نمایان نیست بحث درباره ثبات نسبی بزهکاری بحثی بیهوده باشد. اما این نتیجه گیری کافی نیست. می‌توان تصور کرد که رقم مخفی بزهکاری رقمی است ثابت و قانون اشباع جنایی فری نیز درباره آن صادق است. در این صورت، فرض ثبات همچنان به قوت خود باقی است. باید تحقیق کرد بر پایه کدام واقعیت آماری چنین پنداری درباره ثبات و فرضی به نام اشباع جنایی به وجود آمده است.

## ۶

### فرضیه ثبات بزهکاری واقعی

داده‌های آماری در بسیاری از کشورها نشان میدهد که حجم جرمی که در مراجع قضایی به صدور حکم قطعی منجر شده در طول سالهای متمادی از نوعی ثبات برخوردار بوده است. جرم‌شناسان اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم که درباره قانون اشباع جنایی هیچ تردیدی نداشتند تصور میکردند ثبات نسبی بزهکاری قضایی شاخص نوعی ثبات در میزان بزهکاری واقعی است. برای مثال چنین بنظر میرسید از آنجا که فرضاً در کشوری مانند فرانسه در طول یک قرن به استثنای زمان جنگ سالانه بین ۴۹ تا

۱۴. این تحقیق به وسیله National Opinion Research Center وابسته به دانشگاه شیکاگو و بنا به تقاضای کمیسیون آمریکایی درباره جنایت که به دستور رئیس جمهور وقت جانسون (۱۹۶۵) تشکیل گردید انجام گرفت.

۶۱. مورد محکومیت بازاء هر صد هزار نفر جمعیت از سوی مراجع قضایی صادر شده است، نرخ بزهکاری واقعی بین حداقل و حداکثر این ارقام در نوسان است. اگر آمار قضایی بزهکاری را تابعی از تغییرات بزهکاری واقعی تلقی کنیم در این صورت فرض ثبات تحقق خواهد یافت و میتوان گفت رقم سیاه بزهکاری تقریباً متناسب با محکومیت‌های کیفری در مراجع قضایی است. اما ظاهراً چنین برمی‌آید که این ثبات امری کاملاً ساختگی و واقعه‌ای بیگانه نسبت به رویدادهای جنایی است. جرم شناسان معاصر<sup>۱</sup> این ثبات را به اشباع دستگاه پلیس و سازمانهای قضایی متناسب می‌دانند. بدین معنی که بازده کار آنها را با توجه به امکانات و تجهیزات و برخورداری از نیروهای ثابت انسانی متناسب با کمیت محکومیت‌های سالانه می‌پندارند و در واقع آنچه را که در آمار قضایی منعکس میشود شاخص میزان کارآیی و فعالیت این سازمانها تلقی می‌کنند نه شاخص بزهکاری واقعی. بدیهی است چنانچه امکانات دستگاه قضایی ثابت فرض شود این بازده از یک حداقل و یک حداکثر مشخص تجاوز نخواهد کرد.

بدین ترتیب چگونگی تغییرات بزهکاری واقعی که مستقل از تغییرات بزهکاری قضایی در نوسان است روشن شد. اما شماری از جرم شناسان معتقدند که این استقلال به هیچ وجه فرضیه ثبات را نفی نمی‌کند. زیرا بزهکاری تنها شکل تظاهر رفتارهای آسیب‌ اجتماعی نیست که از نوعی ثبات برخوردار است. ظاهراً دو گروه دیگر از رفتارهای جمعی نیز که موضوع آسیب‌شناسی اجتماعی قرار دارند از این قانون کلی تبعیت می‌کنند. نخست، طلاق و دوم خودکشی. انتخاب و مطالعه این دو واقعه اجتماعی این مزیت را در بردارد که می‌توان نقش عوامل ساختاری نظیر سازمانهای

پلیسی و قضایی را در تغییرات کلی آنها منتفی دانست. حال این سؤال مطرح است که آیا واقعاً قانون « اشباع » درباره این دو پدیده اجتماعی صدق می‌کند؟ آیا می‌توان به گفته دور کیم میزان خودکشی و طلاق را طبق پاره‌ای قواعد برای هر سنخ اجتماعی از پیش تعیین کرد؟ ظاهراً آمار و ارقامی که کشورهای مختلف در این خصوص ارائه کرده‌اند مؤید این نظریه است. ۱۶ تناوب نرخ خودکشی و طلاق در هر یک از این جوامع از چنان ثباتی برخوردار است که گویی هر اجتماعی در هر برهه از تاریخ خود برای خودکشی و طلاق ظرفیت معینی دارد. بفرض که چنین باشد نباید این نکته را فراموش کرد که شناخت چهره واقعی وقایع اجتماعی بسادگی میسر نیست. این بار نیز در صحنه آمار، نمایش کمی وقایعی نظیر خودکشی و طلاق ظواهری دارد که ممکن است همچون نقابی حقایق را پوشیده دارد. درباره خودکشی همین بس که گفته شود تعداد حوادثی این چنین که بدلائل اجتماعی مرگ طبیعی قلمداد میشود کم نیست. بر عکس، بعضی صور مرگ نظیر خفگی در آب، گاه کارشناس پزشکی قانونی را کاملاً غافلگیر می‌کند و او را در تشخیص قتل، خودکشی و یا مرگ تصادفی به اشتباه می‌اندازد.

اما درباره طلاق، اگر این واقعه را گسیختگی علائق خانوادگی تصور کنیم بدون شک این عمل حقوقی نمی‌تواند تنها شکل قطع رابطه میان زوج و زوجه تلقی شود. لذا آمار این حوادث نیز خالی از عیب و ایراد نیست.

۱۶ - برای اطلاع بیشتر به سالنامه جمعیت شناسی که از طرف بخش امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل منتشر میشود رجوع کنید.

## ۷

## نتیجه

تفکیک آمار برخی از جرائم مؤید این نظریه است که فرضیه ثبات در باره گونه‌هایی از رفتارهای جنایی صادق است. بنظر می‌آید آمار جرائم علیه اشخاص کمتر از جرائم علیه اموال از عوامل و دگرگونیهای اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. بدین ترتیب ثباتی که در میزان این گونه جرائم به چشم می‌خورد نمی‌تواند جز از عوامل زیستی - روانی از عوامل دیگری سرچشمه گرفته باشد. این بیان به هیچ وجه به معنای نفی تأثیر عوامل اجتماعی در ارتکاب این گونه جرائم نیست. اما چنین می‌نماید که عوامل اجتماعی و موقعیتهای وقوع بزه در بروز این گونه رفتارها زمینه ساز نیست و به هر تقدیر وقوع این جرائم در هر شرایطی محتوم بنظر می‌رسد.

تصور این نکته که همواره جرائم معدودی در یک جامعه خاص ارتکاب می‌یابد و از پیش می‌توان میزان آن را در یک برهه زمانی تعیین کرد هر چند از نظر منطق تجربه اجتماعی با واقعیت منطبق است لیکن ضرورت آن کاملاً آشکار نیست. شاید پذیرش این موضوع که در جامعه‌ای افرادی با زمینه‌های روانی و آمادگیهای زیستی مستعد ارتکاب پاره‌ای جرائم خاص‌اند به صواب نزدیکتر باشد. اما باید اثبات کرد درصد این گروه از افراد نسبت به کل جمعیت همواره تعدادی است ثابت. به هر حال، این عقیده نیز در میان جرم‌شناسان پیروانی دارد که عوامل درونی جرم‌زا از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌پذیرد و اثر این تداوم در آمار جنایی مشهود است

والسلام

\* \*

\*